منبعه اول ... صفحه دوم و سوم

صفحه جهارم

محل اداره : طهران خيا بان علاء القو له اله اله الله الله الله الله الله

### یاد داشت بومیه

مه با به جمعه در مالا در این این دلو

یلک هفته از سفوط کابینه قبل می كذره م بعر ان هنوز باقى است . ما این مسئله را خوش نمیدانیم

و حوادث بین المللی ، وجب نگرانی است ، باصطلاح متبذل دافق سیاسی، تاریک است ، شاید طولی نکشد که جنك أدو باره دنيا زا برهم بزند . اكر أين فرض محقق شود أيران أز نو دو چار خطر خواهد شد و در ان صورت مااز عمة خير بيشت اسدعت عرمر احتاج داريم

وا اين حال وامنع است - هيج خوش نباید داشت که رئیس الوز رای ما از آمزوز بالية ترديد وى تسميسى را بگذارد ٠٠

ست کسی که برای انتخاب شش هفت غر وزير عاد سيه و مسولي ابن همه وقت أو فكر لازم دارد و در تشكيل كاينه القدر معيور د اكر ۽ و د اما م باشد بسع برای حل غواد من سیاس معتاج به نجند ماه فكر و آمال خواهد بود ٩ مكرر بما كفته بودند كه اقاى مستوفى در قضايا زياد فكر ميكنند ـ هر مسئله رآ اپنجاه بار میی چرخانند ــــ در تشریح امور خوب صحبت می دارند ولی هیچ عزم در ابعاديست

ما می خواهیم به انایے رئیس الوزرا بكوليم :

تكداريدما هم نسبت بشما همين متيده را پيدا کنيم کرا کيم واست است که زمامدارسی ایکر

و مطالعه مي خواهد = ولي لزوم فکر وا بها نه بی عزمی نهاید قرار

شماكه قطما : ي واليد يك وزراى بی ال انتخاب کنید = شما که جرأت ندار ید مثل رئیس کابینه سیاه بكار هاسيه فوق العاده دست بزنيد = پس این همه فکر براسی چه ق

هفت وزیر خودمانی 🚤 کار

د اخله المحمد الجرت بنت ما الآل المحمد المح قبمت تك شهاره تا يك ماه مع شاهي است و دور و عيد الله الله

In a same with the wife is a wind قذيم و مناسب نا ميل مجلس الميين كردن كه محتاج به اين همه مامل

> ما تصدیق داریم که اوضاع فعلی پر خم و لیج ا ت اعشاق وزارت فراو انند - هریك از دستجات مجلس دار است نظر مخصوصی هستند = عده مخالفین بیشتر از اناست

مه ابن اشكالات هست = همه این ها را باید در نظر کرفت است هر كليه انن مسائل بايد هقيق شد ه اما ریاست وزرای شما هم مدتی

که بشود گؤچکشان شمرد 😑

است معادح شده 🔹 🛴 🛒 پیش امد اسرو ز از سه عهار همته قبل خوب رو ينن إود 🐇 🏄

شما و قت همه قسم فكر و كمن راً داشتید ، مشکلات امروز را یك مناه دبل می ایستی پیش بینی و

چرا نگردید و ا ر چرا رمنا می دهید طول بحران موافقین شما را دوچارزحمت وموزد ملامت بكند ?

مَا كَدَّيم كَهُ بِشَمَّا نَظُرُ بِلَّهُ نَدَارِيْمَ - حتی کفتیم سبکی را که سی شود از امثال شما حنتطر بود از شما توقع مغواهيم داشت ممهدا قبول أخواهيم کرد که از بدو امر سستی و تردید بر

روح شا مسلط بشود . ، ، ، ، ، داور

سپاست خارجی

عثما نی و امریکا

در یکی از مفالات سابق خود گفتیم که امریکا تمایل اسبت بشهانی ایراز نگرده ورحقيمت الحالاف نفاربين عثبانى وأمريكا 

امريكا لله تناشا عثيالي دارد: ۱) حفظ منافع مادی و الحلاقی امریکا مللي كه در خاك عثياني اقابت دارد 💘 ) آزادی ناز سفر نو داردالل ز ٣) أبقاء كابينولاسبون ( حق أضاوت

قواسولها 🕻 المنيان ويروي المراتي المراتي و مسله اول ممكن است دركتفرانس لوزان تصفيه شود ولماشكال أرسز مسأله وم

ا عنهانی ها موکویند : ما در ماسکت خود عزاریم. احدی حق ندارد در امور ما سَاحَه كله و المُحَالِينَ مِنْ اللهِ الله

امريكا بعثماني ميكويد : من الشما قر آجنك أبوده أم · معاهداني كه شما ب منتقين من بنديد مربوط بمن نبست ويد و رابط من باشما از رُوی عمد نامها أي أـت كه قبل از جلك بسنه شد. ودرآنها كابهة ولأسبون قهد كشنه

عثياني فقطور دوحال مينوالد كايبتولاساون رُا أُوبِتُ إِسَا النا كند : بالرضاية خاطر امن کا و یا پش او حای با امریکا که بفایع عنهالي شخانه بابدة جوفث عنهالي مابله حنك وامريكا نيست و امريكا نيز رضايت بالناى كايبتولاسيون أصد الله الله حال تمنية المدت كامريكا از أوايد كابرأولاسيون منعتم عود \* إله قساد الله عام الله عام ا

ر از طرنی احکر عنانی این حق وا إمريكا بدعد يمام دوله داده است و

ازیرا درمه مدانی که قبل از جنگ امریکا أعيان منعد المودم يكديكر واكاملة الوداد أدمرني فمود الذو مطاق اسول ممموله حقوقي كم سراي يك هواك كاملة الوطاد كالمل شديد البدا باير" دول كلمة لودادهم بعميد يي از مناعل كا حور أمهمتات بين متباي دامريكا تبدر عده مُملِكُ كالمِنْولامبون اءت و المعالمة از طرف دیکر دو مید المهانی سید متفقين باطهاني مشعول انقاد الد طرفين يك ديكر را كاملة الوداد ميداند و باين جوت به خود حق مهدهند آلجه عنمالی برای اس ای قائل است برای آنان نیمز قائل شود ولى بناء السول معموله بين دول كاملة

لوداد خناله عناال برأى إمراكا حققناوت تو أسولها را برسميت الشناسد بايد براى متفين نبيز همان ترتيبُ را المعاد كند أ المعاد این است که صداله علسمانی و احواکا بیش از آامیه در بادی تنام تصور میرود ادكال يودوك المالية المالية

وارالتوراي في

خلامة مذاكرات قور جاسة يوم بلجشليه ر ۱۴ مل ۱۳۰۱ م

عواس بلساعت و نبد بظهر در تحت ریاست آقای مدرس نایب رئیس اشکیلشد 🐭 آقای نایب رأیس اظهار داشتند که كه يدوأ أشراسم تحليف أبعال وبالداء المجالة المان المحققين قسم قامه وأقرائت و إمضال اظهار داشاند كه: اكر حه اين قسم صورت شرعی ندارد و قانون احاسی ما ادا مكانب كرده است بنده براى ابنكاز قاوق اساسى اطناغت استعرده بأشد يسمياد لدودم ﴿ از طِينِ يعني اظهار شد كه قانون

اساسی مطابق شرع است ) است

آقالِان معقد القجار - فبوشات -ناظم الدولة - عراد اللك - معال ديوان فيرسيد حسن حان أبرقسم المه را قرائات و المنا المودلد

آقاى مخبر السلطُّنَّه أَطَاءِار مان بندك من قبل الأوقت أبمناه إبن عمل كرده ايم و بيشتر هم قسم خورده أم و أن قسم خوردان هد بك ندارم ولى ابن ما يك عبارتي است الوشقة است كه الشاء الله مبارك است لا الله آقای فایبارهٔ بن اطهار داشتند کسکه هم آقایات رفتار کرده افد ولی مطابق قانون أساسي مكاف يقسم أخورون نيستندمشار اليه مم قسم إد أمؤدند بعد از ايشان آقايان داور - اسردار قاحر- دااش - سردار ممتمد بـ سردار اقبال سردار جنگ قسد ياد تمودند . آقای لسانالملك چون عذر آوردند

و مسوع لشد قسم خورد نشان موکول پیمد کردید شاهناده عد ولي ميرزا موخواسطه از معاون ماليه سؤالي بكنديعات عدماستحذار ماون موڪول بيعد شد

لابحه شوراي دوائي مطرح ودر دور عليات آقاى سيد بمنوب بواسطه صد تكافوى يو دجه و سلاح آبودن فشكيلات جديد و آقاى ساتری زاده از نقطه نظر کی وقت دور جهاوم و معوق ماندن مسائل آیمه عمادی لف بودند آقای شیخ اسداف شرحی دایر ملزوم مؤسه عوراي دولي و احيت تواظراره عند بكاني بودن مذاحكره و دخول در دون مواد اغذ راي شده نسويب سيكرديد

ماده لول به شورای دولق مرکیاست از ۱۸ نفر مشا و و قالم و قواز ده المر مشا و رو قوق الساده مشاورين فوق الداد. حق واي داشته و يا مثا ورين دائم وزرائي بكيان خوامند بود مكر در شمیه تطلمات که رای آنها فقطمشورتی أعوامد بود .

تامناده محدماتم ميزا اظهار داشته که من با کال موافعتی که یا قانون شورای دولتي داشته و اين قانون وا خبلي لازم مي مالم بر حس تجربانی که دو شور توانین در مجلس داریم می ترسید که این دوره مونق باهمام آن نشوید و حون عقیده دارم كه پايستى زود بكذرد خوب الث أا يكهنته میر گرده و پهدیك رای كلي داده شود کے حمین طور مثل سایر قوانین از کہ ہون برای اجرا پرود و بعد از اینکه موقع عمل كذائته شد طريقه عملي آن هد معلوم و مجددا و نظریات لازمه به مجلس کورده

شود . آقا سید بعقوب در حکلیات مجددا اظهار مخالفت نموده و أظهاو داشتند كه من عقیده خود را در کسایات به عرض رسانیدم و مناسقاله احکثریت مها خفه کرد و رای داد به کدفایت مذاکرات ( خنده خدار ) اما دو قسمت ماده خوب است توضع داده

الم المحلم المالية ور شمارة وهروزد يل را بورت كمياني أفت انكليش وأبرأن كله فاستالذر فأيل فالزوادى 

تُودا كه "مشأورين فوق المادة كيرا در مورد

این روزنامه بدون تفاشای کتبی برای کسی ارسال نمیشود و بدون تیباید بیسید

وجه اشتراك و الله المالية الما

الله المسلمة ا

تظلمات والى لدارند أو الله الله الله الله الله الله الله می گویم به آقای آقا شید بمترب که داخل شده الد ول اقلبت وا يازي حكالد و قَرَّةُودَنِدُكُهُ اكْثَرَاتُ مُرَاخِنُهُ كُرُدُ دَرُّشُورَتِيكُ ﴾ أكر خُذه مده بودلد ني الوائستند اين قدن ا خُرف النزلند ( خند حضار ) و گفتند کے ا بوزراً بایسی زور آورد با قا اون را اجرا حکتلد دو سورتی که ما هم این هشت ماهم ا همین حرف وا می زدید و کسی اس شاید لها حالاً من كه احسكتربت هستم صوف بعد كاند كا من يبولي كا بر يشي بالي من سر کو می آد بایس از برای اجرای قوانیت غفان ريادرم ۾وجي سورت در اهن قسمتون که فرزمو داد عراید علیسکت کر ات و نبايسي تشكيلات جديد. داء حين بسط وليل بر این است که باینی قواین و گهستگنایات عُلکت وا تهام کرد آنا پنیرخ جای آن بیجروان يفتد و موايد فياد اللود الو مل خدوس عدم رای مداورین فوق الباده دو شهه تطلبات جون أبن مشاورين قوق العادم ال روسای افارات الاخاب سی شوعد و محرواست در بمنى قبلمات اجراي بفود حسكته بلين مناسبت حق رأى به آن بهاماده قصب است ع آتاى ناايب رئيس اظهار فأشلف كهيشتهادي عد، قرائت می شود :

پش نهاد میگند که قانون شورای دولان که از كساون مهاوطه كذشته و به مجلس آمده و در سیاسه ۱۲ دلو ۱ -۱۳ نجاس، شورای ملی در کلیات آن رأی داده " بطور قانون موتت يبوقع أجرا كذائته شؤة عسد تعتاشم مبرزا — دانش)

شامعاده محمد هاشم ميروا توخيج دادند آقای کازرولی ساقد بوداد کا برای موقت مدقى معلوم شوه الله الم

شاهناده نصرتالدوله اظهار داشتند ك در موضرع بیش نهاد شاهناده حدد هاشم میرزا بنده دلبلی برای معالفت و آن کمی بینم زیرا ممتقدم که قالون شورای دولتی بكي از قوانين خبل لازم و شوراي مولق يكي از ،ؤسسات ،ثم علكت خواهد بود و آقى تدين توشيحات كأفيه در أين خصوص وادكد سايقه اين كار هم در قوانين ديكي در جالس سابق و على فعل موجود و عل اشكال اینت ولی جیزی که باغلر میرسد و تعوری كنام كه آقابان وشاهاد كنادكان هم إ آن مرافقت كنند يك اسلاس است كه بإسلىدو يسنهاد بشود و آن ابن است كه علاومشود إ ير ياش مهاد كه إول شروع بموقع اجراء كذاردن اين قانوني بعد لق اين خواهد ايود

سرقت ذيل كنف شده

(۱) رجب عل ام که جادی درعیس

اشعاسی که اشیاء مسروقه را خریداری

(۲) مطابق رابور ای که واداره پلیس رسیده

قديه الزد ﴿ حِلْدُ الْفَهُمُ كُرُو كَذَاشَتُهُ أَزْ طُرِفَ

ه حبوار قامیلسات قضیه را تعقیب نموده

(٣) محسن الم كه سايق مظنون يدو فقره

﴿ ٤ ﴾ أَفَا كُوجِكُ سَارَقُ كَهُ الْطَرِفُ

الله المتعالمي

المراجع المراج

حسكه دولت لابعه بودنجه آن را به تجلش آورده و ازتصواب، المدراند و الله آقای مساوات مخالف با پیشنهاد و

المتبده داشتند مسكه در مجلس معارح إشود أ أوده و سه مأه شرخص شد، بود إمجددا مطنون آقايان يبشنهاد كالندكان اسلاح شاهزاده - دستكير شده در ألهنمان مي كويد سه فقره السرت الدولة وا قبول و آقاى دانش ببشاهاد سرقت المود، أيد بالفاق دو نفر ديكر يس كرداد كه جله ذبل بر پيشاواد علاوه شود رُ ﴿ آنِكُ أَدَارُهُ أَامِيلَاتُ نَصْيَهُ رَا كَتَفَامُودُهُ ( بعد از ابتك بودسه آي از اصوب ماس یکذرد ) بگفایت مذاکرات اخذرای شده تصویبو نموده بودند دستكير كرد معلوم شد أمتجاوا آقامید فاضل توضیعی خواستهد که از اطرف از هننصد تومان مال دردید، بودند معنیر داده شد و به پیشلهاد اخذ رای شده

ی برای در ورجله آنبه آنابان کازروای و يحسين المسارق مقدارى اشياء دراطراف ميدان و شبخ اسداق و محنق العليا و شبخ الاسلام أصفيهاني هركدام بثويه خود يبشنهاد كردند كه إقانون أقتبخا بإت جيزه دسلويز بأشدلإيحه اشیاء را بدست آوردمالد سارق حددستکیر كل سرخمي بهشته لد شد خبزعدستور شود و در احت استنطاق است شاهيرا درسلهان ميرزا درخصوس قانون النخابات اظهار، داشند که آمهوزمیس کرسیونی که باید كمكيل شوند تمثكيل للده ويراى منته اتينز ايبرت خود شرقت بوده در تامینات اقبران به جهار فقره والحواهد فادواكر أين قانون الانفاق ازجلس بكذوه البيت المت والزماين كه دو من أماده ا مقطاري مصحبت المده و بالاجره هم قا أعام الدارة المينات وسلكر شده بود و درادتهااي مسطلا ماميه والمراقب المراقب المراد الراد به مبيده فرا أرقت لموده في المهمة الله نسرخ عيون عالمتي أداشت أ يود در حربان تحتيقات فرا ر كرد. محدداً حِيرُهُ الشَّاوِلُ وَاللَّهُ اللَّهُ اللَّ اخذ واي شود حيون حدة على ابود معوى العنام داشته الد حيوار فقرة سرقت ديكر مالفت و حملته البه عليه مينشده و جلمه ع يه سرقت هاي نوق افزوده فعال در تعدت ومادليقه بند الر فلير هافية بافت المناس استامان است

و المالية المنات المنات

شاخزاده عشد الساطان المسلم وقيول مساو كالانتن شاور دافر "ايغالبا اليب رئيس اول مر فغر بكنهته از ونادت داخه باداره أقاى فهرم الدولة المراه المرادين دوم تناميه لوعقه عدة جون در اين مهد روزه آقاى ممامد العك الله اول وابورت مائن الرسيده ك مامورين اظليه درجلوا أمساو مات ( مهندس بازبك ) منشي كوم كيري ال علميات شرعيه تصور من نيا ند لهذا مسافر وارن كانف ( رأيس خزاله دارم الكيد مي شود: احكاسيكه دالجع بتجلوكيري إِذْ مَا بِيَاتُ فَوْ كَالِمَهُ سَابِقِ سَا دُوْ شَدَهُ كَامِلا يقوت خود ياقي است و مامورين ايدنهايت مراقبت وأ بعمل آورده اذ منهات شرغيه

بلونی مرد آزاو د نموه ۳ نه

الم سن لو پن

تَالَيْفُ مُورِينَ لِلْأِنْ - أَرْجُمَةُ نَصِرَ اللَّهُ فَعَلْسَمَى

ساکت بیانی . . . فعلا یا من کدك كن تا « و كه رای»

آن وقت مهدو بعارف تالار وفئند و د زيابر ه

مست برد دا یای د وکارای به را بگیرد که لوین دستش

الله تقريدو أيا المجب يهم لكاه كردند أو أز شربت خام

صدای نفرفت می آمد ، آمد می طنیف و دوری

رود ۱۰۰۰ مهمدا آن ما مردو می دانستند که کسی غیر

عليه مجددا شدا شنيده عد ، اما نازك تر ومرقعش قرآ

الله المرق الرس به اليشائل لوين المست الم الين أسدا

از کجا اود 💆 بیشتر المتدائی که از قبر آبیرون آبیابد

محالت فالمفهوم و مقطع أدا ميكرد و المناهدي

را به زورق بربم ٠٠٠ الله دورق

كملل إورلينك مميو كمنسن وأمهو بولن وجوعنما يد وجواب دريافت دارد كومهاو توسط كالل حيب الله خان ليشامناده در کابه اداری از احدی قبول سی شود قو يا جلو كيرى ايما يند قباهت داشت في الله الله الله الله على الله عبدوا سدا شنيدة شد • الماشديد أو كل بلدتر" المنطور آورد .

كبا لمت و المالية الما

ایه د ویابراه کفت از خیراع را درست بسکیر

عجددا مات سدا شنده عد و بر ترس رفنا

ولى لاكمان لوين خنده المندى كرده جسد توكس

زير أنه أو جَيْزِي مِن درطهاد مَنْ لُوين كُفُّ مِنْ الْ

اً بطرق غلطاليد . ﴿ ﴿ ﴿ اللَّهُ مُعَلَّمُ اللَّهُ مُنْ اللَّهُ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ

عجب ما قرسو هستيم . أن هو ده وقت را تلف

المستورد والأناب المنافق المنافق في المالة والمنافق والمنافق والمنافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافق والمنافق المنافق المنافق

﴿ حِيرَى كَهُ الرُّومَى رَمِينَ \* مِنْ قُرخشيد كُوشِي المَفن

اود که یا سیمی به دستگاه دیواری ارتباط داشت ایر

مدرت راك وري 🕽 💮 💮

اعداه مداور بع مران

احارواطي در این دوروزه از طرفاداره قامینات

انزلیا - اوارمه باد شدیدی جهار رفي در مادوب خوق شدا ما دري إسلامت ييون آمدند ول باركر جي ما بڪل and the second managed in the second sections

خوى ــ صمصام الملك حكمران خوى ر حضت احضار ابالت الفاص ديروز عصر بعارف لبرين حركت كريد - وأوق المهالك حسب الامن تلاحت مرافى به گفالت حکومت Marie Care Comment of the Comment - William Car

علات 🗕 جند رؤز فيل حكومت سُن أَتُومَانُ أَزُ عَبِازُ هَا أَوْ أَمَّا بِ هَا كُرْفُهُ بك من يك عباسي در قيمت اان و جاركي یک عباسی بر قبیت کوشت آنزوده و از قرار مذكور تا كنون مهلغ شفصد تومان از نواب الوكات و رمايا و اهالي بانواع اقسام و أجاب حيني جريمه حكى قنه 

in the Value of the same of

عده که از شدت آن کالسکه مائی که برای

مسافرين باستاميون عرده بودند واز كون

كوجه ما ملل آب ش جريان مارد راسي

ادارات مجاس نموده بس از مددا مسكرات

زيام قراريرايس دادند أزحل موايد موجودي

اید معربی شامی که نجار تاسینون توقیف

شودمبودند بدهند ومبائن براى منرف مخارج

مدرسة وووراب نكاه داشه بقيه بمدارس قازات

دادة عزد و المعدد المعدد المعدد المعدد

شده بأبن مضمول يهعموم إحالي اصفهان اعلام

فينمايم أز أول طاوع آفاب الى غروب مركس

أز هرطلقه مى أو الله مطالب خود وا باين جانب

به بيند ، از ترس مي لرزيد جون ملتنت شد كه سدا الكليد ١٠٠ . الساعه بكبك شا خواهند رسيد ٠٠٠٠

از مردة بيرون هي آيد ، أما عجمم أو ابدا حركت تبي أ كران عسنقد - سرباز هستند .

كبرد و ليهاى او هم استه و بمي أجان بودند . ﴿ ﴿ إِنَّ اللَّهُ مِ لُونِن كُوشَى رَا رَّمَا صَحَرَدَه كُفَت : بَنْ شَيْعَانَ ا

أمفهان أعلاني او طرف حكومت ملتشر

مارف قالنات وأرد باحسور تنجار و رؤساي

مردایه - طوفان شدودی شروع

اند أَدُكُان أُرْ " بِالْرَارْ " بِكَانِ " بِشَكَ " شَكُّو، "

زمین های اینجا شن زار است در

چر خ اسکناس ساز سے در اول اوامبر ۱۹۳۲ میزان اسکناس ر آلیان به --۶۹۹ ملمارد و نیم رسیده ت إ درمنته آخر اكثير باتك أميراطوري آلیان - بعد مایارد مارك كاغذی آنوه به جرون الداخنة است وحال آنك در قرافسه ر ااریخ ۸ اوامبر ۲۷ ۹ و فنط مبلنر ۲۷ ملمارة فرانك بالك قرائسة أساناس طبع ولوزج لموداما استدارة المنابية

ر الوین ژوئ نمش آوکر خم شد آا به بیند صدا از گلمات مقطع ادامیکرد ، میکنت تا آنجا هستید ، از من او کار من اور بکنمهلیس

رير حليفت بر او مكثوف نده و دااست كه و الونارده

هر موقع که کسی دراطق ابوده است از جا برخواسات

أموده است . و این کاانی که حالا از تلفون شفیده

وفتى كه جواب منخوالت بطرف درياجة برود الرسرية تخانه و ١٠

شنهد من بدادم برسيد ٠٠ قائل ١ ٥ ٥ مرا ميكشند ١ مانه شدند

المهشود حمان كلماني است كه لوبن دفعه اول .

﴿ لُوبِن كُوشِي وَأَ بِهِ هَاشَكَ ۚ بِكُوشَ كَذَاشَتَ ، تَهْرَاهِا دَنَ الصَّحَاءِ وَرُودِبِهِ خَالَهُ إِزْ طَرَفُ ﴿ آلِكُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّا اللَّا لَا اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّا لَا لَا اللَّهُ اللَّا لَا اللَّا

و بادندان گوشی را از دستگاه نبر داشته بر نومین انداخته و مین

حواب نمیدهد . . . مین او را کشته اند . . . آنجا احد خوامد آرد د

## اطالا مات متفرقة

از روز شنبه جریده قرن بیستم در نحت نظر آقای میر زاده عشقی مرتبا هفته سه نسره مثنش خواهد شد بالله د آدرس اداره : خبابان اسلامبول

دائل قرن إيسلم

امسال امریکا ۳ میلیارد و ۷۷۱ اسویس خس مخارج خودرا کس دارد أوانحة په جهار ميلياود ميرسد . state of plants of the

برحسب تقأضاي دولت علماني مجلس كيع آنتره عنقرب قانوني براى تشكيل شوراى الربول) المربول)

لازم دارد ارتقاء داد باید مدت ها تربیت سَّالِيا نَهُ كُمِيا نِي نَفْتُ انْكَلِيسُ وَ أَيْرُ أَنْ لِيمَيْتُكُ من یکی از مسائلی که در ایران کمنز مورد تؤجمه واقع ثده إن است كه , قدمت عظد عابدات كمياني ففت جاوب بهبج وجه

هداید ؟ • • • آن جاچه خبر است ؟ • • جرآت پیدا ا

و دوی آن خوابیده از تافواخانه ــ آنگن - استمداد. (حسم مجروح را بللد نمود ولی در همین موقع از خارج

دكتر ويان مستشاو امريكائي بلديه

دولق وضع خواهد كزد

قرن بيستم

بالا خانه های آازه ساخت نے ا

بلاہے کسر بودجہ مُمِلِمُونَ فُولَارُ أِوَدُّجِهُ فَارِدُ ۚ فِي ١٩٧٧ مَبِارُونَ وهلاند سه عشر مخارجش را کسر بودجه

اراپورت سا

اشود و آریب تدریجی است و نمی نوان مناران فر را در بك سلل فربيت اكومو أبكار كانت إلى المديد ا بأرى از بدل مبع نوع سعى در قربيت و استخدام كار كران ايراني دريغ نشده و ا مراوط بایران و امتبازی که ایران بها داده. ا مجه نهام این میله دو خبریان است و سب

نبست بالكمر بوطية عابدات بااز كارخاله هساي والبيز الرف الراني هما تعبت اسلیه و وسایل حمل و نقل وادارات اوزیمی باستمندام دوشهب ماليه في كيماني مثل خدمت الله که دو خارج ایران بر قرار گرده اید در شب تغرقه الارض الكشاف سهديمي والفرايها سهريع شرمايهما بمصرف ألامؤناسات مهندسي في القشه كاي والنفير و اظهار مبل رسهده است . أكر فرشا منادن نفت من شود ما كأمار بالأين تعالمان مناعديد اران استه می شد این ادارات بازلار حکرد . و مالمت مي دادند زيرا عڪن استرابن سيم ورسات از زفت های خام سایر ممالك أمدناه

ققربا در نیام ممالك دیک كمیانی

سے دارای امایاز است فقط مل کمیانی

استخراجي الله و منافع آنت عدود بــه

ما أن است حسه إز الفت خاد مايد. كيها الما

ملت استخدام أوراني أما أنت : "أبن "مدلله

لازم به کرار نیست که استخدام ایرانی به

أَفْعُ مَا أَدِتُ وَهُمِهُمُ إِنْ لَكُنَّهُ إِذِابٍ تُوجِهِ كَامِلُ إِنَّ

ما را ندوده ولی وقلی که ماشروع بکار کردیم

کار گرآن ایرآلی ماهر ( بنبر از ممدودی

لجار ) وجود مداشت و براي آنك معلمات

خود را توسه دهيم جبور بوديم بديدة

کار کی ا مرارت از خاری براورید ، اماان

فان روز شروع بسلامات درصدد قربيت

محاً دكران إ ايرالي بر المديد

رَ وَ حِدُولِجِهُ أَذَ فِرَائِسَ عَبِلَ بِعُدَهُ سَلَّومِ

خوم موافق شدم ام عده زوی از کیلز

ران علی را به جای صلعت کران هندوستانی

کار بکاریم و اکر چه این تغییر حسارا کی

أربيت عيد الد الغد كالملا معلى عد كرات

يا موارت و تجريه جندي استلم ولي ما ان

افدام طین اس معن خود دادی فکردید

وا أنمى أوان دومنا بمقام الله ماهان ششاس

ملعن باسامنان الله و شوفر الوله سيقلوا

و یا سر پرستی از کارمای مهکری که مها رت

ويلبر كنت : ارباب • • وكه اراي ، وا چــه

در همین اثنا ( و کرای ) بیجاره بهوش آمده رو

ا لوبن باوجود الحل أواف كرد و بكيك ( زيابر )

صدای در ما شنید شد، و آثران ما داجله

به لوين كرد وا عُجْمِر و لايه كانت المارياب مرأ المتقسَّدُ

الله كرد المن المناسلة المناسلة المناسلة

كفت : هايج حبه مرحوام بكنام ؟

واضع الله له يك دهان وازه كار

اینجساب کرده زیرا کار گرانی کا متازی

ادارات ما در: ايران اخيراً مشغول قهيه يك بروازه في الماسي بالمالياجاد مدرسه أن در حندين مركز مثل طهران بالصفهان بودهانه در ایان اواخر ترقیانی ازای تاسین یك حلين مفرسه دراسفهان داده أند وي طبيعي است که این مدارس بدون تشویق دولت و .. مَانَ الْمِرَانُ مُوافِّتِنَى لَخُواهِنَدُ دَائِثَ وَ بِنَدْهِ امیدوارم این دو عامل بنزدی که برای خملي كردن پروژه المليمات في ما در ايران أون العادمة ثرند بزودي مساعد دواد

یك انتفاع دیگری كهاز عمامات ماعاد ابران می شود عبارت است از مؤسسات صحور که زو زرا کان حکران و مستخدمینما وا مجالًا معالميه من كيند بلكه ساين أهما لم على وا هم مداوا من لمايد . ما أا بحال م مریش خاام بزرکی کم ال آلات واهوات جديدة مرةب بعد جوايران فاسبس ادودوايم و در من كدام ماشين إينيه (رايكين ) و ال مردمها دفع من كودندين و المدرد در) اسبابهای کملع جدای خید کرده ایم و الميرا بيك ومريض خاله طهران كالم مي كنيم

کوملیز-یس از این که مراسد فرود أوردن يبرق امريكا يمول أورده مسترا فرمانده كل قواى امروكا رقيد رن بانسا ينده كان منتقين فاحلوى سرف لبودمو در طي بهانات طود منعن اظهاد علنت كانعاشان ك قريبا اوديم عندان مالي نموده ولي در قفاياي رو دنیای جدید و قدیم دارای احمیت ترادی

مى باشدما فاظريك دوره عجيب غريب تأريخ المرق المرة المراق المر سپس در طی مصاحبه جین اظهار داشت که توافق نظیر دواتین انگلیسوامهیکا و خموس باره اقدامات و عملياني كه بالد در آرویا بشود علامت ازدیکی و ارتباطی قلب بين ملتين است .

شهسال حبس محكوم شعد الله الله الله

المدروف وجنت كالخاله ووساي مادن

دَمَالُ سَلَكُ ازْ قَبِيلَ ﴿ "لَبْسَنَ ﴾ و غيره إناحيه

رانبلاند ) بس از عاكمه باعث ابسادنهایش

ای منترت و طورسندی از طرف اهالی

ديدجميت در اينتكاههاي طرقين وامازدخام

كرده و فرود شادماني بافتاهار آن ماكشيداد

سرود های وطایی قرائت لمودندو دسته

های کل به روسای معادن تُقديم کردند .

فرش قرمن بر زمین کشرده اوداد و ارای

اولين دفعه پني از اشفال ، ناخيه بذكور اوسطه

الكابس ها سرود مخصوس ( و اضهام ) را

الشرائية نددراس يكساحب منصب فرانسوى دچار

حله حميت شده وبالاخر ، بوسيله بلبس سوا ره

معافى إدر برد و فرانسوى عاديك توب مسال

. بر فراز عمارت هئل. كايرر هو ف ] . برواد

ولى ف تقايداًى وبليس آ المسان مجددا الإنشين

، دو ساعت اعتصاب کرده سپس ایایش معلیمی

ور طبابان ها دادند . آباه نظلم فرانسوی ک

هوا شابك كردند و سوار· اظام بأشمشير.

اران \_ بموجب باظهالها ابمارسي

حدد کاری جرانان المانی عادر بد ول ا

مر قصون المان عده الله ولي دوات بالها

توسيه كرده الت كاكار خود را ادامه

دهند زیرا نمی توانند بیش از هده مقرره

افزاد فر فيون ينبرلد المان عاد ( ر )

المحدد السجه بيش أند ماي اخير ارويا

خلف ورزیده است مسلم است که رجوع

بنَّفَتُهُ خَرَامات كه در ماه مه ۱۹۲۱ نرتب

ادر شدة بود خواها، حسد بموجب نقشه

ديليا المانده المتكان درراي دردن شركت

طلا بعنوان خوامات بيردازد ه

مراه الماكم مساور عبال وقد عا والد

راوزداد بر قطسازة طمل ووتناى: معلدن، دوين

إياريس بر افلس بأبلك كيسيون فرامات تشخيص نموده است كه دولت المان بموجب مهمه دوم از قدمت هشم ههد آلمه ورسین و فقار الدوده است دول فرافه و بازیك به د فقار الدوده است دول فرافه و بازیك به د نام كرده است دول فرافه و بازیك به

أشفال لشده أأن فرستاده نعواهد شد -یاد داشت منهور در خان قعداد تعظف های المان مخصوصا كوش زد مي گند كه وضعات متحده دوات المان عما ارب . نجر به ی ظمی از فتار فرااسه را در روچ، میکرد اصابع و معادن روهن خواهد شد دويسلدرف ) تونف نمود ولي كار حكران م

many to make the same of the same وریس سوزیر فوائد عامه وژنرالویکاید از مسافرت خودبدا خله روهر ویاژیک سیاحیت

مهو تروسک اللهار کرد که اقدامات مهجات راه آمن فرالسوي اميد مملحيات المعريد آذوقه المن فرايش كمسيون عالمهما الماني وا قطع آمود و در ضمن اظهرار داشت که دوات پازیک بنیام هملیانی کی در قاحهٔ رومی شده 一种人人的一种人的 

انتود وملسكوكات اروبالي داروز در" إلزار الدن" . الريس \_ ديروز كمسوون في أمات ا حالت بدى بعفود كرفته و افرق الماه تنزل الكريت سه دلى و الى امتاع مقدار دغالي ك وولت المجان در ماء فورود بايد بفرائه و اموده بود و المداد الم ر باریس دایر بابن که آلیان از تعهدات خود اشش مناد آن قمین آمود با این بهدو را

المان مليوات المان اقرارميكند كه مذكور آنيان مجبور اود ٢٧١ المارة مارك اسكونت و آدامش در نامهد ومر محكم فرما است و مرا المام المام المام المام كاركران معادن بكلى عالمفند كار

لجهارز فار آامانی در محسکه، افانی بلزيك محكوم بالالمام كزديدان بواسعاء اينك شركت درفتل يك ماحب مامب بازيك كردم أودند و شفل نفر ديكر از بيت مال الى

كنفر ان لوزان الهجيج لا أنه العبير لمريد المان فييز وضيات فير محدوس است ور معالى الكليس ما عابرات الفق وَ اللَّهُ الْحَرَافِيرِ الْجُدِدِ اللَّهِ قُرَارٌ كُرِدِ لِهِ دَرِدُوْسُلِدَرِ فَ أَ المركها كبرتأيد كنفرالين تعطيل حوائمه أشد أأواث كار ممادن إخوال بإشرأت ميكند أَمِيدُ لَمَارِودُ كُمَّ أَيْنَ تَعْطِيلُ بِيشِ أَزْ مَنْ هَفَتْهِ ۚ كمسيون بين الملل أحيه راان سي و ما ول المادلة はらくらうから、たかないは ではしょう

مُنْ أَنْ أَجْزُاهُ أَوْارَاتُ أَمْنَازُ مِبْاوَرُو كُ

عَامُوْرِينَ دُولِي كُهُ رُومَ رُا تَصُرُ فَ نُدُودُ مَا لَذَ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

و المنابع المن

المازه ۱۴۰۱

4 .

ي بران ۲۸ ــ و معادمات خوابق بين

أسريازان فرانسه و كاركران آاماني معادن ذكاله

آسن رویدایرچند نفر مقتوف و خبروج کشندس

من إن آلك الابعة شمامدة صام تأمابد "

المرامين معاهده از الطهرف والمنس كانفرانس

لوزأن تسليم المابلدكان عثمالىشد مرم المرابع

🙌 فرد كورزن ماد عهدناهم را شرحطاه 🕯 ا

رَافَيْ كُهُ أَازَ آنَ مَايِدَ عَتَمَانَى هَمَا مَنِي شُوفًا

خاطائرا اعان أمؤة و راجع بقر مسقله هوصل

أشعار اداشت كه ابن مسله وجوع به جنع اتفاق ا

أمال عدة النائمة المراد المال عدة المال المال المال

آورم م.در خانده ، اسه المانييم جندالي ، الملسياري

المانيانيكان عنهان باعدهمته استمواليكرداد

الرور يسرون بينتها المحكوة كا افرا معتدا

المهمال كلينه شود أ اشعار دادت وحميه

تــا بيكدايه مسن دراوزان خوامدساك م المنياث

أمايومات ويأويسد كه يش ال جيلسون جهان ا

ه جواب داد: بن الحلاع الداوم في المرابع المراب

الله الله الله الله والمرا الميد المعلم أشم ؛ فو

مَامُمُ أَنَّمُ الْرَفُّ وَاسْتُ خَانَهُ فِي جَلَّادُ وَ مُنْ الحَرِفَ حِبِّ

فور زدم ، در آنجا پلجرهٔ باز بود و ابن دوبد جس

انگلیس ۔ لُرد بابط در گاغذی که أمرزوزا مه تايمس نوشه اظفار ممكند دوات انگلیس احکمر پجای دوات فرانسه بؤد عین

الله المايندكان فراله و التاليا توجعشهاني ا ما ورا به ساح وسلم معطوف طعله املازات انتفادى كا الليت بالمان ملعوظ عد علطرا اقازونی ب ممادن خزانه داری مخالفت و في شيون بدارد تهايده فرالت الماسان المنود را بداهن يك ملبون دلار الملب أر براى داخت ک عر ۱۹۱۶ علمانجا باعث العام دواجل و ون خود و فراله شداد و عدل ووابط و ماد که از قرن عانودهم بن دو مخطعت مزادد رابعاد عبر علدوقه بود ول أفراليه موجكونه يهنني يسيبه بايرابيه ويرملون بران -- قرار چاد های راجه اسه الكرفت ، مشار البه إن هيئت إلما إنهاجا كعرب

در ایجاد بیاج از تجدید حیاجه وی فیز بیال داعت . د المان مهديله بالمي وجالم نجيه المحيات عثمالي را بشا ميدهد ه ٠ ازولی به الماینده قشون امریکا کهدر اروبا حلك كرده أند اذ طرف كليه افراه به أكم ماهدة والمورد بساله فرارد معلولهم تهاینده قشون های ملفنین الحطار کرده است ز كه اشنال الحبه روهم يتوسط قدون فرانسه تنها وساله إيت كه دولت آلمان وإ مجيور . كه مطالبات بجهدولت فرانسه را الديه شقیه مقیع بك أوغ سكوت و آرامش دو

اخطار فهق اقدامات فرانسه را تصديق انكار حكمفرما است في ا وابطه تظریات بهاسی معابل شود دوات احیراطوری اولاقل بمقصود شدن قرائسه را آرزو می کند.

بواسطه زخی که داشت فراد را برای خود معال می اسرا اذبت کرد و آن یک رای تیر زدم , امالین یک و ديد كنت: بكذار ارباب منجه مي خواهد بكلد . . . كندر بليس باكال عبد السيد هيج توكي وا د معايد الله 

> نا كاه لوين بياد آن حِيزُتِي كه ما ويباره ١٠ الا و وكا واي مُنه كرفته و در حيب الهسادة أود افتاد و دَشْتَ بَرْدُ تَا أَنْ أَرَا ازْجِيبِشْ بْبِرُونَ آوْدُهُ وَفَيْ (رُبِيار) مَامُ شَدُ أَوْ صَحْفَتُ ! أَهُ سَوْءً اللَّهِ أَلَّا مُوكَنَ الْمُواهِدُ ا

indicate the second of the second of the ولين محدداً اوراً بر زمين انداخته دست بجيش

من در این موقع از آ می طرف ایکمک لوین دویدند و در يك جدم بهد زان دست و باي زبابر ، استه عد . 

ازه اِسْرَ اللَّ آمدهُ ا

" عود ش ٧ مد أساكت شدو إنكار فرو وزات إيلدة قه

كرفه ام ٢٠٠١ از اينطرف٠١.

وَفَهُمُ وَرُا لِكُالِمُ كَا إِرَالِهَا مِهُمُولِ شَكَّانَ وَ وَقَعْلَمْ إِيودُنَاهِ آنوقت داخل سالون شده و آهسته پاجره واساز كرده الزانوا الله وارك از من طرف ميدوندند وراه فراو را مشدود مبكردند لوين شروع بقرياد زدن لموده گفت ه از این عارف بالبدان مجه کنید د د و آنها دار

يه ييند و دو ميزاند . و ا كُفت عَلَمْ شُو ا ٠٠٠ حُركَتُ أَكُنَ ١٠٠١ شَاكَتُ

وروي فيقتي كرده كنت : همراه من بيا و ينه

بعد إذ آن هم رولور طود را ميانه درخت ما ﴿ وَكَ رَاى ﴾ كه بمنسود لوين بلي يرده و إهالاوه

و لولن گفت ؛ خنیشو آ حواب داد أ ارباب و الها مارا ديدماند . . ا The state of the s

يك از آن دقايي سخت زندكاليش ود" "لوين بدواشروع" بشمردن المودة گفت في يك من دو . . سه . أ. جوار ينج ٠٠٠ شش ۽ ١٦٠ طيش قلبش بحالت طيبي عودت کرد ، يعد مشغول فكر شد و پس از سي يا تجال

ا خالی کرده بطرف و که رای . آمد و دست و روی الحود وا في عون أو أغشته المودم بك دفعه بعرف ه ژبایر ، جه کرد و او را گرمین انداخت و پ كنت : أرباب ، جه حبال داريد ، كريا خهمال

الوين احكفت : الكذار أمن آن جه مي خواهم بكنم و ما يون و الما يا تجات خُواهَمْ بِعَادُ مُرَّمِ مِنَ ازْ حَيْسِ قَرَادِ أَيَّانَ مَنَ دَهُمْ ٠٠٠٠ بكذار خيال خود را الجام يدُّهُم بَيْنُ بايد هماطور شده است خود را آزاد حکله ه ٣ آڙانءا زير پنجره جم شده داد وفرياد ميکرداد لُوَيِنَ دُويَارِهِ فَرَلِهِ زَهِ : ﴿ أَذَ ابِنَ طَرِفَ مِ ٠٠ آن ها را کرفته ام هجله کنید .٠٠٠ ان ها را

و آهسته به ( ژبيلر ) کانت : درست فکرکن. آلا حرقى با من لدارى ٩٠٠ أ و زييل ) منوز منسود اراب الهميده ، بود ا مَنْ خُواسَتُ خُسُودُ رَا الْرَجِيْكُ أَوْ الْخَلَامِنُ الْمُشْكَلِدُ الْمُ

ارد ( زیبار ) از ترس دو نفر آزانی که از پاجره كنائد من المهار المهار

يهم المراجع والمعالم المراجع ا

مكر نمى دانى آزادى أو واجب قر از آزادى ماست د الما وكفت : جملور مطلع لبسليد ١٠٠٥ م مساليد الم المناصور أبك من مم با خود شها از - أنكن - حركت كردم

مشفول سرازير شدن بودند ، مناين يكي را بارولورزدم ه وقدرای به را اشان داد ) و آن یکی را هم دستگیر بالا آمده بودند ، زود آن جبزی وا که درمجبرداشت کردم ، يه لوبن داد ، لوبن حم أورا آن وا نديد. در چيب اي حماور ممكن يود كفتار اورا نيديراد ؟ سر نابايش ... خون آلود يود : بعلاوه أو قاتلين أوكر متاول را بالمها ال السليم ميكرد ودو لقرا بيشق كشمكي اووره وبلير أ واله ديده بودند أي النب المالية المالية المالية المالية المالية

و وسايل الله آن بدست آوره و براى ليل

بدین مقسود مقلضی است کمسیونی مرکب

از لمیایند کان ابلاق های هیآوت وموسسات ،

بالکی و عدة از رجال شیاسی تشکیل شده ب

و ارو سیه احتمام دوند که نشست شده دری ایر

النفر ابن كمسيون أكر ممكن شود خواهد

آوااست ، البت بمساعدة لملىكة بروسية داده من شوة 🚉

کلترل وتغلیشی به نهاید ری ملار بازی میرون

این کنترل به حان نرقیب کاندل صابب

سرخ امریکائی که مامور آوزیع آذوقه به

﴿ يَغُنُّ أَزْ دُنُّومَاهُ مَلْدَاكُرَاتَ مُّنْهُمُمْلُ وَجِلْسَاتُ متعدة كغرائس أمنوز أره أساال مختلف فيه بين الركها و متنتين الوجود است كسكه راء حل آن هم خال لهريب يتفار ماايد ، ولي تماما روزاه امیدی که پدیدار آست این است که تیمایز کان روسیه پیشنهاد کرده اند حسامسر مسائد یك كالون حل برای أرامته كه شده آنها خبل زياده است "نهيه الهايال روسها تقطرمين خواهند داد و امزيكائيها بايستى

يول وساير مسالح را زاى آبها تهوه المايند

و معال رويش از باريس أطلاع ميده د که قدیه موسل روزسه شنبه در شورای مجمع أتقاقى ملل در فحت مطالبه قرار داده خواهد الله الوزان ٢٦ \_ ميثت المايند. كان متفقين هر تاریخ دوم فوریه کفداسراوداع خوامند کنت اولنبهاتومی بمنهالی ها داد شده است که خوریت معاهد و راکه شامل و قیمت اقتصادی و بستكي سياسي عنياني ياميريا ليزم فرائسه و الكليم مع المد المضاء كناد در عاظ ازديك بكفرافس قسور مىكنند كم عثماني هابامناي این قرار داد بخاله خراب کن نن درنداده و يدين حبه ، كغرانين لوزان يورشكت عاتبه بؤوامد يافت

والمه وروس مسال سيخ عياردنيه كسيون اسعارسات وسنيت اقتسادي المراش فر الحت وانت مزريو بالنور تطكيل عد المايد. ارائده مسهو وي وبائن معامده إيفااليا مسيو سأ لالمدرا ولها بلدكان اطروش منيو مكر ويل و مسيو كرف الرو منفوتها بدمهان كبسترمالي أطريش و أَوْفِ عَلَى أَمَا هِد كَانَ عِلْكُ السلاوك عَسُور واعتد المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة

الله الله المتماع واليورات مشيو لا لمايم مهان او علق مكر منايل بمايم شدك دولت اطريس ايد در اجراى وتكل زنو كال جديث وا ينفرج دهد بعلاوه كمسبون مربور راجم بشرایط فرخه هانی که باید بموعد کم ورواد امود ماخل مذاكره شد المسابق المالية · (··)

ودز بطروكراد فهايشات مغليس ازطرف كاركران براى ايراز يرونست بر عليه تشيؤت امير بالست ها دن اسجاد اجاك حديد اداده شقه وإعلاقات لهايش دمندكان كايات إخروف برجسته توشنه شده بود : « دور بادطرف داران شيدمان ، ، ، ، ور باد امير والمست های فرالسه ه . . و از شالی از این بران و (· · · · )

Visit And Control of the Control

تَدَارُكَاتَ كُرُدَيْدُهُ أَذْتَ صَحَحَةً مِيزَانَ مُحَمُولُ استخراجي وادر مف الساديه مه و فه و ١٠٠٠ يودكه يك برابرو أبد أبيش از مبران سال كذشته أرت برسافددر أواخر أسأل كدنته منارو دوبات واكون حامل لوازمات مختلفه براى ممادن اوا رد شده است مرسمات اقتصادی كار خالجات فولاد ريزى جنوب وكارخانجات

فاز سازى دولتى اقحادية هاى الكتريكي و

جنگلی تهاد مسامی خود را برای مستنی

ساختن ممادن دربادكوبه از لوازمات واسباب

اداره نفط افريسايجان حدا مشغول

بكار من برنده قرار است جندين دسلكاه ساء کنی از امرایکا وارد شوده جرالد امراد ماردد که برای احتیاجات کفت ادر ایجان أعتبارات مالى كلق داده شوده

مَنْهُ جَاتُ مُورِحُهُ ٢٨ زَالُويَهُ : ﴿ أسكلاس ده مناتي بانك مولق

ده مااتی طلا يولد انگليسي پنديد ميد د پياند در در در د امنات وهه کيك ١٠٠٠ .... ماراك آلهاد "

بران ۲۷ – حکومت باواد فرمانی مادر کرده و درتیام باوادی حکومت نظهامی

( , , , )

اعلام أموده است

للدن ۷۷ - ديروز كمسيون خرامات تفاشا آلمان را راجع باعطا مورا توراوم ره

أندن ۷۷ - ارقراریکه مورنیداایست الملاع ميدمد و باريسي اين خيده تتويت ميهابد حسكه لازم است قواي اظامي دوس مستنيها به برلن اعتمام أمود الا بدين وسية آليان وا باسلاح لماليه مجيور ساخت (4.4)

المان ـ اخرين هائت دولت سوسياليت راكن ﴿ آامَانَ يُواسِطُهُ النَّلَافُ مَلَّيُونَ وَكُمُونِينَتُ لها ستوط کرده است . ( پ پ )

Live Bross

معنیر حریده مرقبلك بست از بنداد جلین اطالاً ع مَى دُمد الله البيار مامور عالى بعثاد اظهار داشته أست كه يوساخار مقيد موسل أَفْرُودُهُ مُدُ وَأَخُوالَى مُوالَى أَرْ يَعْدَادُ بِعُانَ سمت امزام كثنه أرث ويك بطالبان فيون عراق لمده موسل حركت داده شده است يًا القطة مذكور وا ازخلات كايل و تعريك أرك ما عاقلت نمايد ولي أحمال أم رود كه أرك ها علنا شروع باقدامات لحسومت أميز MEN JOHN WARRANTE 

المنا المعالم أو يقر أل قامره المنا بالطلاع لمنا وهد كه از قرار معلوم عوددا دوأت مصر دجار بحران كشته وعات آن أختلافالي است که این وزرای مصر و آلینی داجع یاره از مواد فوانين اساسى مهبوطه بسوران حاسل شده أست الكليسها اعتبراض مي كلك بملت أبنك قرار يود مسئله ورأن بمددر تحتمذاكره قرارداده فول م بار حجرايد جنين خاطر نشان مسكاند كه هيئت دولت مخموسا أمنيه سُورَانَ أَرًّا يَيْسُ كَشِيدة اندُّ مَا إِيلَكُ تُوجُّهُ عَامهُ را از تُمْنِعِ لَيْارِهُ مُوادِ قَانُونَ اسْلَسِي وَاحِمُ راتنخاب اعشای مجاس سنا حکه از طرف وزراء متصرف الهينه

( ) de the man i hage which the think the الم تلكراف وأسل أذ إسلامبهل جاكي است

كه فتمى إيك كميشر داخله احتمال كان دارد والمائين فريديوك و يسمت المايادي حكومت آلفرهٔ در باریس نمین خود به در این در ( ) Bang to the

#### مطنوعات طارحه روسو فرائسه

فرالسه در سفة استقرار فروابط الحارثهم بأروسية ﴿ بِرَأَمَدُمُ أَسَتُ ءُ مُمَا قُرِثُ مُسبو هماو عضو سناى فرانسه إروسيه ابن قصد واتاليد

المر مراجعت المبو عوبو ميل المرط روسیة را برای تجدید روابط کجارتی ایا فرائسه بيان كرده اظهارأت تهايلاه مشار اليه آثرات نبکوئی بخشید. و عده کیری ازنهاینده كان و اقتصاديون بنوائسه طرفدار تجدى اين عتيده شده اند .

برای اینکه آناراین محترم دوحداهیت تجارت روسیه وا ارائه دهیم بی ماسیت لی دائيد كادو ايلجا وأى دوافرازممونين فرالسه را که در این مسئله محتیتی دارند از و عهد مسادوات لا أوالمه تدرجه مسكرد، ديلا

انتقار دمیم • مسبو باردامي نمايلدة و لهننو كسبون

عاليه مجلس ميكويد : بعقيده من مجديد روايط فسايين فرالسه

و روسیه ملافع متنابه دارد ه خولت ساویق و مده های دلروهی اما ميدهد از اين قبيل كه ديون قبل از حلك را خُواهُدُ شَاهَتُ \* حِقْ مَالَكِبْتُ أَنْبَاعِ مَارَاً تصدیق فرموده و برای استفاده از امتیآزائی كه به فرالسويان در الطك اهما! شده و يا ميفود سبيلالي وا قائل خواملد عد الم

این حرف هاتازه قیست در گفرانس ون هم در این باب مداکرانی شده بود -ولى بايددر مقادل دوات ساوني خيلي احتياط كرد و تشميناني خواست • 💮 🌣 🖟

بازار روسیه برای فرالسه میدان حملیات وشین است کیا۔الی کیابدیالمالیا ۔ الكليسواف أمريكالها تسليد شود ما المستحدث مينالكمبداللد درحوزه الأخابي هن صاحت عمار سازی احمیت مسار زیادی دارد و قبل

ازخنك علكت روميه مؤاد دمني كهدر عطر سازى استعمال ميشودوارد مينمودند و ادمارنی روسیه بازار فروش موس نیز برای عطن ما بود كه يُدُون قرديد ما بايد سف كنيم مجددا آن درنينه تصرف خوددر آوريد البته صنابع ديكو البيز همين حالت وا دارد په په از کار د کارس کې

بهلاوه رودیه از ما متخصصین بسیار زیادی از مهندس وشیمی دان وغیر استخدام و غیره استخداد هم کرد و همو است

ولى أكبون بايد أين لكته را هم در نظر كرفت ركه آلا أبن همه اظهار موافقت سوویت است ما برای این ایست حکه اد فرانهه إنوريت استقراض الموده و أستفاده 

ایاید شرمایه شای جدیدی در روسیه به خطر أباندازيد . مُعْهِدًا تصور مَى كَابِم كه اين قبيل قرشه ها وُ هم جنين قروش سابق روسيه ممكن است بوسيله أمنها ذات معادن

هیلت بین المللی اداره خواهد شد قضین دود عوايد ابن المتباز بايد بالوسط يك كمروان مركب أزسرافان ومهلدسين ولهايندكان نجارتي وصنعتي و ما مورین هولی فرانسه فیما بین صاحبسان شهام اوزیع کرد و اقساط قروش و همد حِنْين قيمت مال التجاره ها يه فرانك طلا الله شوه في المراب الأرب المراب الأنسان

ألقط و ساير مادنو جنكماما كه يوسيله يك

ر در مع حال قبل ازدخول درمذاكرات لازم أست الحلامات كافيه نست به وضميت حقبق روسيه و محصولات و درجه أروت

قحطي زدكان مى بأشند بعمل خواهدآمده Jalei .

" حبون لازم است سكنه محترم شهراز مايدات و مسارف بلديه اطلاعات كامل فأشله الله در خصوس تنامنا های مختلف که راجع إساختن کایه معایر و کشیدن خراغ برق در قمام أواحي شهر و أساير اجتياحات دفعتا از يهديه مي شود الاحم فالاحم وا مشخص فرمايقد و أنظر باینکه هر چه تا کنون بوسیله اعلانات استدما شد که هرکس مایل است به کیلیه محاسبات بلدیه مراسه قمود و تمام حملهات بلدیه و ارتباب دوانسرآن را رسیدی کسیرده و واسات حمیه و طبریه و کار خانهای بلدی را سر حسکشی اماید سلمنه شهر این مستول وا اجایت تُنْرِمُودُنْدُ وَ ازْ آنْ جَانِكُ بِلَدِيهُ فِكُ مُؤْسِمُهُ الْجَلِّمَامَى قُوْ الْحَلَاعِ اذْ يَجِزَأُمِكُ الْمُؤْرُ أَنْ بُر هُمْ اللَّهِ لازم است لمذا احتراما استدما مي شود إمالي علات عنامه شهر مي شيء دود قر" برباي إحرار قاحیه دو کتر تماینده از طرف خود تعبین فرموده بیادیه مسرفی فرمایند دو هفته ولصن تله 😤 لا اقل جلساتی در بلدیه تشکیل داد. و در کسلیه امور تفارت فرمایلد . 

المرة المرن ٧ في المرا المرن ٧ في المرا المرا

## الما يالون تقاضا

روز نامة نيفر ستيم

وراى اینکه اشخاص مجبور اواشد

برای ایلک دومتان دجار رو دروایس فوند

برای اینکه سینیت روزنآمه محفوظ آیا ند که پشوان حبجکس فروزنامه متود وا تخواهيم فرسعاد مكر قبلا تناخاى ارضال كن باداره ما رسيده باشد و في المداد المارة الماسية 

4.0

حيار راه حسن آباد – دكارغلامسين خان سيكار فبروشـ ميدان دروازه قزوم قبت جوار عامی است

# فيت الملى المالية الما

ليره	عليك :	ياس	لميره	شاينك	يئس	منتكى المالي
				The state of the s		موسام بالك شاهنشا می در

. ARK	The state of the s	- ya 4. 1	The second of th
and the	ر بو وس باریس می این	နေရ မာ ၈ သည <b>်</b> စ	به از این بورس طهران ساز این به
	<ul> <li>* * * * * * * * * * * * * * * * * * *</li></ul>		و المالية المحريد المالية فروش
· V/	<b>A</b> — • <b>Y</b>	لادن	
•	1—1 <b>49</b> )		اندن مکنوبی ۱۵ ۲ ۵۷ ۵۰ ۲۵
		الو اورك	ه ناکرافی ۱۰ ۲۵ ه ۲۰ ۲۵
. 0-	-040	آلهان	اريس المحادث ا
	There is all the all to		
1	77-70	اسوالی اس	<b>رین</b>
	1-1/18 - \$ 312 3 - 33 -	ا لقره يا القر	رویبه بستی
-	J 19 A 4		

مطمعه دي سفون